

فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۹۲، پیاپی ۲۱

حقوق مخالفان پیش از جنگ و هنگام جنگ از دیدگاه نهج البلاغه

کاظم قاضی زاده^۱

فاطمه نیکخواه منفرد^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۶

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۰/۱۷

چکیده

امام علی (ع) از همان ابتدای تصدی امر خلافت، با مخالفان و دشمنان بسیاری روبه‌رو بودند و دیری نپایید که این مخالفت‌ها و عداوت‌ها با امام شدت یافت و با وجود تلاش‌های فراوان ایشان برای یافتن راهکاری برای حفظ آرامش جامعه و جلوگیری از قتل و کشتار مسلمانان، سه جنگ داخلی جمل، صفین و نهروان در دوران کوتاه حکومت ایشان رخ داد. تلاش امام برای برقراری صلح، در طول جنگ‌ها نیز ادامه داشت، هر چند در بیشتر اوقات ناکام می‌ماند.

امام علی (ع) در آن زمان که مجبور به جنگیدن با

۱. استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی؛ ghazizadeh-kazem@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد نهج البلاغه، دانش آموخته دانشگاه قرآن و حدیث؛ nikkhah.f@chmail.ir

دشمنان‌شان بودند، با تکیه بر آموزه‌های قرآن و سیره نبوی، از مسیر حق و عدالت، بیرون نیامدند و با رفتار عادلانه خود، جنگ بر مبنای حقوق الهی و انسانی را به زیبایی به تصویر کشاندند، تا الگوی عملی برای تمام حق‌جویان باشد. از مهم‌ترین حقوقی که ایشان در جنگ با مسلمانان به آن پای‌بند بودند، مذاکره و اتمام حجت با دشمن پیش از آغاز جنگ، برخورد انسانی با دشمن و استفاده نکردن از روش‌های خشونت‌آمیز و وحشیانه در جنگ است.

کلیدواژه‌ها: مخالفان برانداز، حقوق جنگ، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

۱. مقدمه

مخالفان سیاسی به دو گروه «در قانون» و «برانداز» تقسیم می‌شوند. مخالفان در قانون، مخالفت‌های خود را در قالبی قانونی ابراز می‌کنند؛ اما مخالفان برانداز به صورت متخاصمانه و مسلحانه در صدد براندازی حکومت هستند. در این مقاله، قواعد و اصولی که امام علی (ع) در نبرد با مخالفان برانداز حکومتشان یعنی ناکثین، قاسطین و مارقین بدان پای‌بند بودند، در دو بخش «حقوق پیش از جنگ» و «حقوق زمان جنگ» ارائه می‌شود. گفتنی است که «حقوق پس از جنگ» و «حقوق عمومی جنگ» نیز از حقوق مخالفان برانداز است که به دلیل درازشدن سخن در مقاله جداگانه‌ای ارائه خواهد شد.

قواعد و احکامی در اسلام وجود دارد که مقطع زمانی اجرای آن‌ها، طول دوران جنگ و یا پس از جنگ، ولی مربوط به جنگ است. موظفان به اجرای آن‌ها کشورهای اسلامی و به طور کلی مسلمانان درگیر در جنگ می‌باشند. این قواعد و احکام را می‌توان «حقوق جنگ در اسلام» نامید. مقصود از این حقوق، کلیه امتیازات و اقتدارات مشروعی است که اسلام در جنگ برای دشمن

شناخته است. این حقوق ممکن است به طور مستقیم انسان‌ها را مورد حمایت قرار دهد و یا به طور مستقیم حمایت از اموال، ساختمان‌ها و حتی حیوانات را به عهده گیرد (همو، ۱۳۷۲: ۱۳۷ و ۱۴۴).

در باب ضرورت حقوق جنگ، حقوق دانان و سیاست‌مداران همواره اختلاف نظر داشته‌اند؛ عده‌ای با ذکر دلایل مهم و اساسی، منکر ضرورت حقوق جنگ شده‌اند و عده‌ای بشر امروزی را متخلق دانسته و معتقدند به این حقوق پای‌بند است، حال آن‌که در عمل چنین چیزی مشاهده نمی‌شود (همو، ۱۳۷۳: ۷۶)؛ اما دین اسلام که دین عدالت و اعتدال است، از قرن‌ها پیش بر اهمیت و ضرورت حفظ حقوق و حدود در زمان جنگ و محاصره سفارش کرده است و به مسلمانان گوشزد می‌کند که جنگ برای آن‌ها به منزله مجوز انجام رفتارهای وحشیانه و دور از اخلاق نیست و در طول جنگ نیز، باید ارزش‌های اخلاقی و انسانی را حفظ کنند و پا از حدود و مرزها فراتر نگذارند.^۳

هدف افراد از جنگ نیز تأثیر بسزایی بر چگونگی عملکرد آن‌ها در دوران جنگ خواهد داشت. امام علی (ع) جنگ و جهاد با سرکشان، پیمان‌شکنان و فسادکاران را وظیفه الهی می‌دانستند (شریف رضی، خطبه ۱۹۲) و اقامه حق و ستاندن داد مظلوم از ظالم (همو، خطبه ۱۰۴، ۱۳۱ و ۳۳) و حفظ منافع عموم مردم هدف اصلی ایشان از جنگ بود و هیچ‌گاه برای منافع و مصالح شخصی قیام نمی‌کردند و تا زمانی که وحدت اجتماعی و حقوق افراد جامعه اسلامی به خطر نمی‌افتاد، صبر پیشه می‌کردند (همو، خطبه ۱۶۹، ۷۳ و ۵۴).

ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه ۷۳ نهج‌البلاغه می‌گوید: «علی به این جهت در برابر معاویه و اصحاب جمل تسلیم نشد و بر حق خود چشم‌پوشی نکرد که ظلم و جور آن‌ها فقط بر او روا نبود بلکه عموم مسلمانان در خطر بودند» (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۲۴۱/۳). پس از جنگ نهروان نیز هنگامی که اطرافیان امام حاضر نبودند برای مقابله با شامیان ایشان

۳. رک: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰)؛ «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره/۱۹۴)؛ «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا» (مائده/۲)؛ «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اغْتَبُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸).

را یاری کنند، امام دلیل پافشاری‌های خود برای مقابله با شامیان را ترس از آن دانستند که سفلگان و تبهکاران امت، حکومت امت اسلام را به عهده گیرند و مال خدا را مایه دولت و توانگری خویش و بندگان خدا را بردگان خویش قرار دهند و نابکاران را حزب خود سازند (همان) و ضمن سخنانی دیگر بارها از یاران خود خواستند که برای کسب رضای الهی با دشمنان روبه‌رو شوند (ابن هلال ثقفی، ۱۴۰۷ق: ۲۰-۲۹).

۲. حقوق پیش از جنگ

۲-۱. اتمام حجت با دشمن

اتمام حجت با دشمن پیش از آغاز جنگ، از یک سو، جایی برای آوردن هر گونه عذر و بهانه از طرف مقابل باقی نمی‌گذارد و از طرف دیگر، این اطمینان را به فرد یا گروهی که اتمام حجت می‌کنند، می‌دهد که طرف مقابل به اندازه کافی فرصت برای اندیشیدن داشته و حجت بر وی تمام شده است.

مولای متقیان امام علی (ع) هیچ جنگی را بدون اتمام حجت با دشمن آغاز نکردند. امام همواره بر لزوم اتمام حجت در آستانه جنگ تأکید می‌کردند و به فرماندهان نظامی خود دستور می‌دادند که بدون اتمام حجت دست به هیچ گونه اقدام مسلحانه‌ای نزنند. امام علی (ع) هنگام فرستادن معقل بن قیس ریاحی همراه سه هزار تن به عنوان مقدمه سپاه خود به شام، به او چنین سفارش کردند: «وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ سَنَانَهُمْ عَلَى قِتَالِهِمْ قَبْلَ دُعَائِهِمْ وَالْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ» (سید رضی، نامه ۱۲): و کینه آنان شما را و اندازد که جنگ را آغاز کنید از آن پیش که به راه راستشان بخوانید و در عذر را به رویشان فراز کنید. به طور کلی، امام با سه روش با دشمن اتمام حجت می‌کردند که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱-۱. به تأخیر انداختن جنگ

امام علی (ع) تا جایی که ممکن بود، جنگ را به تأخیر می‌انداختند و فایده این کار آن بود که در این زمان، افراد دشمن فرصت اندیشیدن داشتند و گذر زمان از عناد و تعصب آن‌ها می‌کاست؛ با این کار فرصتی به وجود می‌آمد برای هدایت شدن و پشیمان شدن برای

افرادی که هنوز چشمانشان بر روی دیدن حقایق بسته نشده بود.

«قَالَ اللَّهُ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَأَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَتَعُشُّوا إِلَيَّ ضَوْئِي وَذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَإِنْ كَانَتْ بُيُوءًا بِأَتَامِهَا» (شریف رضی، خطبه ۵۵): به خدا که یک روز جنگ را واپس نیفکنده‌ام، جز که امید داشتم گروهی به سوی من آیند، و به راه حق گرایند، و به نور هدایت من راه پیمایند. این مرا خوشتر است تا شامیان را بکشم و گمراه باشند، هر چند خود گردن‌گیرنده گناه باشند.

امیرمؤمنان علی (ع) در آستانه جنگ جمل نیز به یارانشان امر کردند برای شروع جنگ شتاب نکنند تا امام با آنان اتمام حجت کنند (مفید، ۱۳۸۳: ۲۰۱) و در روز نبرد، جنگ را تا نیمه روز به تأخیر انداختند (بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۷؛ ابن‌الاثیر، ۱۴۰۴ق: ۲۱۲/۳) و همین امر اعتراض یاران وی را برانگیخت، اما امام صبر و شکیبایی را بهترین اتمام حجت بر دشمنان دانستند و در برابر خواسته سپاهیانسان تسلیم نشدند (ابن‌الاثیر، ۱۴۰۴ق: ۲۱۳/۳).

۲-۱-۲. آغاز نکردن جنگ

امام همواره در آستانه جنگ‌ها به فرماندهان خود سفارش می‌کردند که صبر کنند تا دشمن جنگ را آغاز کند و خود آغازکننده جنگ نباشند؛ برای نمونه در آستانه جنگ جمل (ابن‌الاثیر، ۱۴۰۴ق: ۲۴۳/۳؛ بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹)؛ در آستانه جنگ صفین (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۰۶؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱۹۵/۲) و در آستانه جنگ نهروان (بلاذری، ۱۳۷۵: ۲۷۹؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۳۸۴/۱).

امام علی (ع) پیش از رویارویی با دشمن در صفین، خطاب به سپاهیانسان چنین

فرمودند:

«لَا تُقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُؤُوكُمْ فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّةٍ وَتَرَكُّكُمْ إِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْدُؤُوكُمْ حُجَّةً أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ» (شریف رضی، نامه ۱۴): با آنان مجنگید، مگر به جنگ دست یازند؛ چرا که - سپاس

خدا را - حجّت با شماست، و رها کردنشان تا دست به پیکار گشایند حجّتی دیگر برای شما بر آن‌هاست.

از این کلام این گونه برداشت می‌شود که امام علی (ع)، آغاز نکردن جنگ و خونریزی را حجت دیگری بر اثبات برحق بودن خود و سپاهیان‌شان می‌دانستند و در این جا خطاب به یاران خود تصریح می‌فرمایند که گرچه شما بر برهان و حجت هستید، این کار حجت دیگری از جانب شما بر آن‌هاست.

مولای متقیان امام علی (ع) در آستانه جنگ جمل و نهروان، چنان بر حمله کردن شکیبایی ورزیدند که دشمن دو تن از یاران ایشان را به شهادت رساند، اما باز هم امام دستور حمله را صادر نکردند و پس از به شهادت رسیدن سومین نفر از یاران امام، ایشان ریختن خون دشمنان را حلال دانستند و دستور حمله به سپاه دشمن را صادر کردند؛ برای نمونه در آستانه جنگ جمل (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۸۰/۲) و در آستانه جنگ نهروان (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱/۳۸۳؛ مسعودی، ۱۴۱۳ق: ۲/۴۲۴). امام علی (ع) در واقع با این رفتار برای سه بار حجت را بر دشمن تمام، و از عمل زشت آن‌ها چشم‌پوشی کردند و به آن‌ها مهلت دادند؛ اما پس از بار سوم چون لجاجت و ستیزه‌جویی آن‌ها بر همگان ثابت شد، فرمان حمله را صادر کردند.

۲-۱-۳. فرستادن افراد برای اتمام حجت

از دیگر روش‌های امام علی (ع) برای اتمام حجت با دشمن فرستادن رسولانی به سوی لشکر دشمن بود. در آستانه جنگ جمل، امام علی (ع) وقتی به آوردگاه رسید، به یاران خود فرمود: برای شروع جنگ شتاب مکنید تا حجت را بر این قوم تمام کنم و برای بار اول ابن عباس و برای بار دوم جوانی به نام مسلم از قبیله عبدالقیس را قرآن‌به‌دست سوی سپاه دشمن فرستاد تا آن‌ها را به احکام الهی دعوت کنند، اما هر دو بار پاسخی جز نیزه و شمشیر نگرفتند و پس از به شهادت رسیدن مسلم به دست اصحاب جمل بود که امام فرمان حمله را صادر کردند (مفید، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۱؛ بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹). این عملکرد امام نشان می‌دهد که ایشان، ریختن خون مسلمانان را پیش از اتمام حجت‌های پی‌در پی و

فراوان حلال و جایز نمی دانستند.

در آستانه جنگ صفین نیز هنگامی که حضرت، جریر بن عبدالله بجلی را برای مذاکره با معاویه می فرستادند، جریر ناامیدی خود از منصرف شدن معاویه را اعلام کرد؛ اما امام غرض اصلی خود از این کار را اتمام حجت بر معاویه بیان کردند (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱۶/۲)؛ به دیگر سخن آگاه بودن حضرت به هدایت ناپذیری معاویه سبب نشد که امام در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند و ایشان در هر حال جنگیدن با مسلمانان را بدون اتمام حجت، صحیح و روا نمی دانستند. از این رو، پس از این که دو سپاه رویاروی یکدیگر قرار گرفتند، باز هم امام دست از تلاش خود نکشیدند و جوانی به نام سعد را با قرآنی که در دست داشت به سپاه شام فرستاد تا مردم را بدان فراخواند، اما شامیان او را کشتند و در آن زمان بود که حضرت فرمان حمله بر شامیان را صادر کردند (همو، ۸۲/۳؛ منقری، ۱۴۱۸ق: ۲۴۴).

۲-۲. اعلان رسمی جنگ

مولای متقیان امام علی (ع) هرگز حاضر نبودند بدون اعلان جنگ، به دشمن شیخون بزنند و چنان که اشاره شد، حتی فراتر از اعلان رسمی رفته، به نحو کامل با دشمن احتجاج می کردند تا مبادا فردی از روی جهالت و ناآگاهی دست به جنگ زند و هلاک شود.

نقل شده است که امام علی (ع) در پاسخ مالک اشتر که بارها از حضرت اجازه می خواست که بر معاویه شیخون زند، به رهنمودها و سیره نبوی استناد می کردند و می فرمودند: «همانا پیامبر خدا که درود خداوند بر او باد از این که بر مشرکان شیخون زده شود، منع می کرد و فرزندانش هم این خوی گرانقدر را از او ارث برده اند.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۴۱۵/۱). ایشان اعلان نکردن جنگ و غافلگیر کردن دشمن را نوعی خیانت می دانستند (همو، ۱۹۵/۲؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۲). جنابشان در صفین، رسمی و کاملاً علنی به معاویه اعلام جنگ کردند. نقل شده است که امام علی (ع) پس از اتمام ماه جمادی الاولی به آرایش جنگی سپاه خود و آماده سازی لشکرهاي خود پرداختند و به معاویه پیام دادند که برای جنگ آماده باشد و او هم یاران خود را آرایش جنگی داد و

لشکرها را آماده کرد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۰). همچنین نقل شده است که امام علی (ع) به آرایش جنگی و تعیین فرماندهان و سازمان‌دهی لشکرها پرداختند و کسی را فرستادند تا میان مردم شام ندا دهد که پگاه فردا آماده جنگ در صف‌های خود باشند (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۶۸/۳).

آری، امام علی (ع) آغاز کردن جنگ بدون اعلان رسمی را خیانت می‌دانستند اما معاویه و اطرافینش هرگز به این اصول پای‌بند نبودند و مردم نیز خیانت‌ها و دغلكاری‌های آن‌ها را زیرکی و هشیاری وی می‌شمردند، اما امام علی (ع) در بیانی، سیاست‌های فریب‌کارانه معاویه را افشا و اعمال معاویه را فسق و فجور معرفی کردند (شریف رضی، خطبه ۲۰۰).

در دنیای امروز نیز برخی روشنفکران جهان اعلان رسمی جنگ را نوعی سفاهت قلمداد کرده‌اند:

دانشمندان انگلوساکسن معتقدند: این کمال سفاهت است که [با اعلان جنگ]، موقعیت غافلگیرانه اولیه خود را از دست بدهیم و به این نحو خود را تضعیف کنیم. از سوی دیگر، نقطه آغاز مخاصمات را با تحقق اولین عمل تجاوزکارانه بهتر می‌توان شناخت تا با تعیین تاریخ اعلان صریح و رسمی جنگ که موجب پیچیدگی بیش‌تر امور می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۸۴).

رویکرد متفاوت افراد نسبت به مسئله اعلان جنگ ناشی از اهداف آن‌ها از جنگ است. هدف آن دسته از افرادی که اعلان جنگ را نوعی سفاهت می‌شمارند، تنها جنگ و خونریزی و غالب شدن بر دشمن و به دست آوردن پیروزی ظاهری است؛ اما آنچه فردی شایسته و بلندمرتبه همچون امام علی (ع) را به جنگ وامی‌داشت، برقراری عدالت و اجرای حدود الهی و هدایت بشر بود و ایشان در پی تصرف قلوب بودند نه تصاحب ملوک، و هرگز برای به دست آوردن پیروزی و غلبه بر دشمن به روش‌های خائنانه و خشونت‌بار متوسل نشدند. نگاه ایشان به جنگ، نگاه ابزاری بود، آن هم به عنوان آخرین ابزار و راه حل و هرگز این مقوله را هدف نهایی و غایت مطلوب نمی‌انگاشتند.

۳. حقوق بجاوخته جنگ

۳-۱. رعایت اصول اخلاقی در برخورد با دشمن

امام علی (ع)، نخستین معلم اخلاق و آئینه تمام‌نمای جمال و جلال الهی، حتی در جنگ‌ها، اصول اخلاقی را رعایت می‌کردند و به اطرافیان و یاران خود نیز رعایت این اصول را گوشزد می‌نمودند. در واقع هدف امام علی (ع) از جنگ، چیزی جز برقراری عدالت و حدود الهی و هدایت بشر نبود؛ بنابراین، چگونه ممکن است حدود الهی با از بین بردن و زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی که خود، نوعی از حدود الهی است، برقرار شود. از این رو، امام علی (ع) هیچ‌گاه منافع و مصالح حکومتی و سیاسی را، مجوز زیر پا گذاشتن اصول و ارزش‌های اخلاقی نمی‌دانستند و به یاران خود نیز تأکید می‌کردند که حق ندارند به بهانه این که با دشمن در جنگ هستند، از حد خود پا فراتر نهاده اصول و ارزش‌های اخلاقی را نادیده بگیرند. در اینجا برخی نمونه‌ها و مصادیق اصول اخلاقی که حضرت بر رعایت آن‌ها در جنگ تأکید داشتند، بیان می‌شود.

۳-۱-۱. دشنام ندادن به دشمن

ناسزاگویی و دشنام دادن در اسلام، حتی در برابر کسانی که خدا را قبول ندارند نیز امری ناپسند به شمار می‌رود و از آن نهی شده است،^۴ پس به طریق اولی منع از این کار در برابر دشمن مسلمان بسیار شدیدتر خواهد بود. امام علی (ع) در جنگ صفین چون شنیدند که یارانشان شامیان را دشنام می‌دهند، چنین فرمودند:

«إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبَّابينَ وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغَ فِي الْعُذْرِ وَقُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْتَقِنْ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ وَأَهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مَنْ جِهَلُهُ وَيَرْعَوْى عَنِ الْعَى وَالْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ.» (شريف رضى، خطبة ۲۰۶؛ و با

۴. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/

اندکی اختلاف: ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۰۵).

من خوش ندارم شما دشنام گو باشید. لیکن اگر کرده‌های آنان را باز گوئید، و حالشان را فریاد آرید به صواب نزدیک‌تر بود و در عذرخواهی رساتر. و به جای دشنام بگوئید خدایا ما و آنان را از کشته شدن برهان و میان ما و ایشان سازش قرار گردان و از گمراهی‌شان به راه راست برسان تا آن که حق را نمی‌داند بشناسد و آن که برای دشمنی می‌رود و بدان آزمند است باز ایستد.

امام علی (ع) در این بیان، با یادآوری هدف اصلی خود از مقابله با دشمن که هدایت‌گری و نشان دادن راه سعادت به انسان‌هاست، یاران خود را از دشنام دادن به دشمن نهی کرده است؛ چراکه این کار نه تنها خلاف اصول اخلاقی و دور از شأن مسلمانان حقیقی است، نوعی بی‌عدالتی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا هنگام دشنام دادن حد و حدود رعایت نمی‌شود و ممکن است حق طرف مقابل تباه شود. از همین رو، امام بیان اعمال و حالات واقعی دشمنان را به‌راستی نزدیک‌تر و عذرپذیرتر می‌دانند و از آن برتر این که از یارانشان می‌خواهند به جای دشنام دادن، که بهره‌ای جز تشدید کدورت‌ها و کینه‌ها ندارد، در حق یکدیگر دعا کنند؛ شاید در این بین فردی پشیمان و هدایت شود و دست از کینه‌توزی بردارد.

همچنین از قول ابو مخنف نقل شده است که امام علی (ع) در آستانه جنگ جمل نیز ضمن توصیه‌هایی به یاران خود دستور دادند که به هیچ کس ناسزا نگویند (بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹).

امام علی (ع) علاوه بر اینکه یاران خود را از دشنام دادن به دشمن پرهیز می‌دادند، به آن‌ها سفارش می‌کردند اگر با فرد یا گروهی روبه‌رو شدند که به ایشان و یارانشان دشنام می‌دهند، بی‌اعتنا باشند و با ایشان رفتاری صالح داشته باشند. در این باره، ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند که امام علی (ع) در جنگ صفین از کنار گروهی از شامیان که ولیدبن عقبه هم در میان آنان بود عبور کرد و شامیان شروع به دشنام دادن و ناسزا گفتن به امام کردند. هنگامی که این خبر را به ایشان دادند، کنار گروهی از یاران خود ایستادند و با بیانی دل‌نشین ایشان را به آرامش دعوت کردند و فرمودند: «در حال آرامش و با چهره و سیمای

صالحان بر آنان حمله برید که نزدیک‌ترین مردم به جهل و نادانی هستند» (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۳۸/۴).

از این سخن امام این‌گونه برداشت می‌شود که دشنام دادن و ناسزاگویی، ویژگی جاهلان و افراد نادان است و مؤمنان واقعی و افراد صالح در این شرایط نیز باید آرامش خود را حفظ کنند و با چهره واقعی خود با جاهلان برخورد کنند نه این‌که آن‌ها نیز در مقام مقابله به مثل درآیند و راه خطا را پیش بگیرند.

۳-۱-۲. منع وارد شدن بی‌اجازه به خانه‌ها و حریم خصوصی افراد

در دین مبین اسلام تأکید ویژه‌ای بر حفظ حریم خصوصی افراد شده است.^۵ امیرمؤمنان علی (ع)، در آستانه تمام جنگ‌ها به سپاهیان خود دستور می‌دادند که بی‌اجازه وارد خانه‌ای نشوند و به حریمی تجاوز نکنند. نقل شده است که ایشان در آستانه جنگ جمل یاران خود را به رعایت حقوق دشمن سفارش کردند و ضمن آن فرمودند: «بدون اجازه وارد خانه‌ای نشوید» (بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹؛ مفید، ۱۳۸۳: ۲۰۴). امام همواره به یاران خود تأکید می‌کردند که در صورت پیروزی نیز از انجام چنین کاری اجتناب ورزند. تأکید امام از آن روست که سپاهیان در صورت پیروزی، قدرت بیش‌تری بر این کار خواهند داشت و ممکن است گمان کنند که چون پیروز شده‌اند بر انجام هر کاری مجازند. ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند که در جنگ جمل چون دو گروه رویاروی یکدیگر ایستادند، امام علی (ع) ضمن بیان سخنانی خطاب به یاران خود فرمود: زمانی که شکستشان دادید و به قرارگاهشان رسیدید، هیچ پرده‌ای را مدیریت (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۳۸/۴؛ اسکافی، ۱۳۶۰: ۶۰) همچنین، عمر بن سعد از یزید بن صلت از عامر اسدی نقل می‌کند که علی (ع) پس از فتح بصره، همراه عمر بن سلمه ارحبی برای مردم کوفه نامه‌ای فرستاد که ضمن آن سیره خود را در برخورد با اصحاب جمل شرح داده بودند، حضرت می‌فرماید: «همین که خداوند آنان

۵. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور/۲۷ و ۲۸).

را شکست داد، به یاران خود فرمان دادم که به هیچ خانه‌ای بدون اجازه وارد نشوند و هیچ پرده‌ای دریده نشود» (مفید، ۱۳۸۳: ۲۴۲).

۳-۱-۳. منع آزار زنان

مولای متقیان علی (ع) یاران خود را از آزار زنان دشمن نهی می‌کردند و در این باره سیره رسول خدا (ص) را الگو و سرمشق خود قرار می‌دادند. سید رضی در نهج البلاغه نقل می‌کند که امیرمؤمنان علی (ع) در صفین پیش از رویارویی با سپاه دشمن، به یاران خود دستورهایی دادند، از جمله فرمودند:

«وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَدَىٰ وَإِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَسَبَبْنَ أُمَّرَاءَكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَىٰ وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ إِنْ كُنَّا لَنُؤَمِّرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَإِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لِيَتَنَاوَلَ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ أَوْ الْهَرَاوَةِ فَيُعَيِّرُ بِهَا وَعَقِبُهُ مِنْ بَعْدِهِ» (شریف رضی، نامه ۱۴): زنان را با زدن برمی‌انگیزانید [نینگیزانید] هرچند آبروی شما را بریزند یا امیرانتان را دشنام گویند، که توان زنان اندک است و جانشان ناتوان و خردشان دستخوش نقصان. آن‌گاه که زنان در شرک به سر می‌بردند، مأمور بودیم دست از آنان بازداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب‌دستی بر زنی حمله می‌برد، او و فرزندانی را که از پس او آیند بدین کار سرزنش می‌کردند.

امام علی (ع) در آستانه جنگ جمل نیز به یاران خود دستور دادند که با اذیت و آزار، زنان را تحریک نکنند (بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹؛ مفید، ۱۳۸۳: ۲۰۴). امام در همان زمان به اصحاب خود تأکید می‌کنند که در صورت پیروز شدن بر دشمن نیز زنی را نیازارند یا بر او حمله نبرند (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۳/۲۹۷). ابن ابی‌الحدید از یکی از اصحاب امام نقل می‌کند که ایشان در آستانه تمام جنگ‌ها یارانشان را از این کار نهی می‌کرده‌اند (همو، ۱۹۵/۲).

۳-۱-۴. منع کشف عورت

ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند که مولای متقیان علی (ع) در آستانه جنگ جمل، هنگامی که دو گروه رویاروی همدیگر قرار گرفتند، سخنانی کردند و ضمن توصیه‌های خود به سپاهیان‌شان فرمودند: «اگر ایشان را شکست دادید، هیچ عورتی را برهنه مسازید» (همو، ۳/ ۲۹۷) و در جای دیگر از قول یکی از اصحاب حضرت نقل می‌کند که امام علی (ع) در هر جنگی که ما همراهش بودیم و با دشمن رویاروی می‌شدیم، به ما سفارش‌هایی می‌کردند؛ از جمله می‌فرمودند: «چون با ایشان جنگ کردید و آنان را شکست دادید، عورتی را برهنه مسازید» (همو، ۱۹۵/۲).

۳-۲. منع استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز در جنگ

امیرمؤمنان علی (ع) هیچ‌گاه در جنگ‌ها، از حدود الهی تجاوز نمی‌کردند و به خشونت و زور متوسل نمی‌شدند. ایشان که آینه تمام‌نمای حق بودند، در جنگ‌ها نیز در مسیر حق حرکت می‌کردند که در این‌جا به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۳-۲-۱. منع بستن آب به روی دشمن

در جنگ صفین، پیش از آن که سپاه امام فرابرسد، شامیان شریعه فرات را تصرف کردند و تصمیم گرفتند که آب را هم‌چنان بر روی آن‌ها بسته نگه‌دارند تا از تشنگی بمیرند. اما به فرمان امام علی (ع) و فرماندهی امام حسن (ع)، راه شریعه باز شد و یاران امام شامیان را از آن‌جا دور کردند. در آن زمان اطرافیان امام از ایشان خواستند که آب را از ایشان باز دارد تا تسلیم شوند؛ اما امام در پاسخ آن‌ها فرمودند که هرگز این کار را روانمی‌دانند و برای آنان راه گشودند تا کنار آب آیند سپس شریعه را میان خود و ایشان تقسیم کردند (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱/۴۱۴؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۱۵۸؛ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۲/۱۸۸؛ مسعودی، ۱۴۱۳: ۲/۳۹۳؛ بلاذری، ۱۳۷۵: ۲۰۹؛ ابن‌اعثم الکوفی، ۱۴۱۳: ۱۴/۳ - ۱۳؛ اسکافی، ۱۳۶۰: ۱۴۶؛ ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۱۳: ۱/۱۲۴ - ۱۲۶).

ابن ابی‌الحدید در شرح خود بر نهج البلاغه، انتقادات وارد شده بر این اقدام حضرت -

باز گذاشتن شریعه فرات برای شامیان - را ذکر کرده است و در پاسخ آن‌ها می‌گوید:
علی (ع) آنچه را که معاویه در باره شکنجه دادن بشر با تشنگی روانی داشت، حلال نمی‌شمرد و خداوند متعال در مورد کیفر گناه کارانی که ریختن خون آنان را روا دانسته است، نظیر حد قتل یا زنا یا محصنه یا اعدام راهزنان و کسانی که ستم‌گرانه خروج می‌کنند، این شکنجه را روا نداشته است و امیرمؤمنان علی (ع) هیچ‌گاه برای پیروزی بر دشمن و شکست دادنش به کاری حرام متوسل نشد و به همین سبب بود که هرگز شیخون زدن و فریب کاری و پیمان شکنی را نیز روا نمی‌دانست (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱۰۲/۵).

۳-۲-۲. ممنوعیت آسیب رساندن یا کشتن افراد مجروح، فراری و تسلیم شده
امام علی (ع) در تمام جنگ‌ها، اصحاب خود را از کشتار افراد صدمه‌دیده و بی‌دفاع و افرادی که به جنگ پشت کرده‌اند، نهی می‌فرمودند؛ چرا که هدف ایشان از جنگ، هرگز قدرت‌طلبی و حکومت‌خواهی نبود، بلکه کسب رضای الهی و ایجاد امنیت و راحتی مردم بود و ایشان همواره در پی هدایت مخالفان و ایجاد صلح و آرامش بودند؛ همچنین در جنگ‌های داخلی دوران حکومت ایشان، طرف مقابل امام مسلمان بودند نه کافر. بنا بر این، امام ملزم به پیروی از احکام خاص جنگ با مسلمانان بودند و از این‌رو، در جنگ‌هایی که در دوران حکومتشان رخ داد، از کشتن افرادی که دیگر قدرت دفاع کردن از خود را نداشتند یا تسلیم می‌شدند یا پا به فرار می‌گذاشتند، ممانعت می‌کردند و هرگز اجازه نمی‌دادند که خونی به ناحق ریخته شود.

امام (ع) پیش از جنگ صفین، خطاب به لشکریانشان نامه‌ای نگاشتند و در آن آداب نظامی و حقوق مخالفان و دشمنان را به اصحاب خود گوشزد کردند و چنین فرمودند: «فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا وَلَا تُصَيِّبُوا مُعَوَّرًا وَلَا تُجْهِزُوا عَلَيَّ جَرِيحًا» (شریف رضی، نامه ۱۴): آن را که پشت کرده مکشید و کسی را که دفاع از خود نتواند آسیب برسائید، و زخم خورده را از پا در میارید.

امام علی (ع) در آستانه جنگ جمل و همچنین در میان جنگ و پس از پیروزی نیز بر

رعایت حقوق دشمنان، از جمله نکشتن و آسیب نرساندن به افراد زخمی، گریختگان و فراریان تأکید بسیاری داشتند (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۳/۲۹۶؛ بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹ و ۱۷۲؛ مفید، ۱۳۸۳: ۲۰۴، ۲۴۲، ۲۲۸ و ۲۲۶؛ ابن الأثیر، ۱۴۰۴ق: ۲۴۳؛ مسعودی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۷/۲) و پس از آن که به ایشان خبر رسید معاویه در بصره قصد توطئه دارد، به مردم بصره نامه‌ای نوشتند و در آن رفتارهای مهرآمیز خود را نسبت به آنان یادآور شدند و چنین فرمودند:

«وَقَدْ كَانَ مِنْ اِتِّسَارِ حَبْلِكُمْ وَشِقَاقِكُمْ مَا لَمْ نَغْبُوا عَنْهُ فَعَفَوْتُ عَنْ مُجْرِمِكُمْ وَرَفَعْتُ السَّيْفَ عَنْ مُدْبِرِكُمْ وَقَبِلْتُ مِنْ مُقْبِلِكُمْ» (شریف رضی، نامه ۲۹): چنان نیست که ندانید چگونه رشته طاعت را باز و دشمنانگی را آغاز کردید. من گناه کارتان را بخشودم، و از آن که رو برگردانده شمشیر برداشتم، و آن را که روی آورده قبول نمودم.

امام علی (ع) پس از صحبت‌های فراوان با زیبربن عوام، یکی از سردمداران جنگ جمل، موفق شد که وی را از جنگ منصرف کند. در همان حال بود که زیبر از صحنه جنگ فرار کرد و به وادی سباع رفت. جرموز که او را دید، به تعقیب وی درآمد و سرانجام در حال نماز وی را کشت و به امید دریافت پاداش نزد امام بازگشت؛ ولی امام علی (ع) برخلاف انتظار وی، به او وعده جهنم دادند (ابن الأثیر، ۱۴۰۴ق: ۳/۲۴۱؛ مسعودی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۱/۲؛ طبری، ۱۴۱۸ق: ۵/۵۳۵)؛ چراکه زیبر پشیمان شده و از جنگ روی گردانده و فرار کرده بود و امام کشتن فراریان و افراد پشیمان را هرگز جایز نمی‌دانستند.

امام پس از جنگ نهروان نیز چهارصد تن از خوارج را که در جنگ مجروح شده بودند، به خانواده‌هایشان بازگرداندند و اجازه ندادند کوچک‌ترین آسیبی به آن‌ها برسد (بلاذری، ۱۳۷۵: ۲۸۲).

رفتار و منش نیکوی امام علی (ع) با افراد ناتوان دشمن، میان تمام اعراب مشهور بود؛ چنان که ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند وقتی در جنگ جمل، عمروبن یثربی از سپاه جملیان به زمین افتاد، او را نزد حضرت آوردند، او گفت: «ای امیر مؤمنان مرا عفو کن که تمام اعراب

همیشه نقل می‌کنند که تو هرگز زخمی و خسته‌ای را نمی‌کشی». امام علی (ع) او را رها کردند و فرمودند: «هر کجا می‌خواهی برو» (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۲۹). معقل نیز که از طرف امام علی (ع) برای جنگ با خریت بن راشد، یکی از شورندگان علیه حضرت و از فراریان، مأمور شده بود، پس از نخستین حمله بر آن‌ها در اهواز، خبر پیروزی خود را برای حضرت گزارش داد و ضمن آن این گونه نوشت: «پس گروه بسیاری از ایشان را کشتیم و از سیره و روش تو تجاوز نکردیم؛ چراکه از ایشان هیچ گریخته و اسیر و زخمی را نکشتیم» (همو، ۶۲/۲).

۳-۲-۳. ممنوعیت مثله کردن کشته‌شدگان

پیامبر اکرم (ص) به شدت مسلمانان را از مثله کردن اجساد نهی می‌کردند و حتی مثله کردن حیوانات همچون سگ را نیز عملی ناشایست و ناروا می‌دانستند^۶ (احسائی، ۱۴۰۳ق: ۱/ ۱۴۸). امیر مؤمنان علی (ع) که در همه حال پیرو و تابع نبی اکرم (ص) بودند، نیز همواره در جنگ‌ها از صدمه رساندن و مثله کردن کشتگان نهی می‌فرمودند و بر خودداری از این عمل و حشیانه و زشت تأکید می‌کردند.

ابومخنف نقل می‌کند که امام علی (ع) در آستانه جنگ جمل، ضمن یک سخنرانی به لشکریان خود دستور دادند که از مثله کردن کشتگان دشمن پرهیزند (بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۴۹؛ مفید، ۱۳۸۳: ۲۳۸ و ۲۴۹). در نقل دیگری آمده است که امام علی (ع) در روز جنگ صفین نیز سپاهیان خود را از مثله کردن کشتگان دشمن نهی کردند (کلینی، ۱۳۶۳: ۷/۵).

۳-۲-۴. مصونیت افراد غیر نظامی و سفیران

امام علی (ع) قرن‌ها پیش موضوع مصونیت افراد غیر نظامی و سفیران را طرح کردند و یارانشان را از آسیب رساندن به افراد غیر نظامی و سفیران نهی کردند. ایشان هنگامی که معقل پسر قیس ریاحی را به همراه سه هزار سرباز در مقدمه سپاه خود به شام فرستادند، نامه‌ای برای او فرستادند و در ضمن آن چنین نگاشتند:

۶. «ایکم والمثلة ولو بالکلب العقور. والمثلة تغییر الخلقة بالعقوبة.»

«اتَّقِ اللَّهَ الَّذِي لَا بُدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ وَلَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ وَلَا تَقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ»

(شریف رضی، نامه ۱۲): از خدایی بترس که از دیدار او ناچاری، و جز آستانش پایانی نداری. جنگ مکن، مگر با آن که با تو بجنگد.

در تاریخ یعقوبی نیز نقل شده است که وقتی حضرت جاریه بن قدامه را برای جنگ با بسربن اُبی اُرطاه فرستادند، به او دستور دادند که جز با کسی که با وی نبرد می کند نبرد نکند (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱۰۹/۲). همچنین از دیدگاه امام علی (ع)، سفیران و فرستادگان در امان بودند و کسی حق تعرض به آن‌ها را نداشت. در آغاز خلافت امام علی (ع)، معاویه یکی از افراد قبیله بنی عبس را نزد امام فرستاد؛ فرستاده از امام پرسید آیا در امان است؟ و امام فرمودند: «آری، فرستادگان در امان اند و کشته نشوند» (طبری، ۱۴۱۸ق: ۶/۲۳۴۸).

در طول جنگ نیز امام این حق را پاس می داشتند و اجازه تعرض و آسیب رساندن به فرستادگان را نمی دادند. نقل شده است که در آستانه جنگ صفین، فرستاده‌ای با یک نامه سفید و مهمور نزد حضرت آمد و می ترسید که مبادا امام و یارانشان او را به قتل برسانند، امام علت ترس او را جویا شد و پس از آن خطاب به وی فرمود: چگونه تو را بکشم در حالی که تو یک پیام آور و رسولی (بلاذری، ۱۳۷۵: ۱۲۱).

منابع

- **قرآن کریم** (۱۳۷۶)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران: دارالقرآن الکریم.
- **نهج البلاغه** (۱۳۷۸)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- **نهج البلاغه**، تصحیح صبحی صالح، قم: مؤسسه دارالهجره.
- ابن اعثم کوفی، أبو محمد احمد (۱۴۱۳ق)، **کتاب الفتوح**، تحقیق علی شیری، الطبعة الأولى، بیروت: لبنان، دارالأضواء.
- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن محمد (۱۴۰۴ق)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر.

- ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (١٤١٣ق)، *الامامة والسياسة (تاريخ الخلفاء)*، تحقيق على شيرى، الطبعة الاولى، قم: منشورات الشريف الرضى.
- ابن هلال ثقفى، ابراهيم بن محمد (١٤٠٧ق)، *الغارات أو الإستنصار والغارات*، تحقيق سيد عبدالزهراء الحسينى، الطبعة الأولى، بيروت: لبنان، دار الأضواء.
- إحسايى، ابن أبى جمهور (١٤٠٣ق)، *عوالى اللئالى العزيزية فى الأحاديث الدينية*، تحقيق السيد المرعى والشيخ مجتبى العراقى، الطبعة الاولى، قم: مطبعة سيد الشهداء.
- إسكافى، محمد بن عبدالله (١٣٦٠)، *المعيار والموازنة فى فضائل الامام امير مؤمنان على بن أبى طالب (ع) و بيان أفضليته على جميع العالمين بعد الأنبياء والمرسلين*، تحقيق محمد باقر محمودى، بيروت: لبنان، انتشارات محمودى.
- بلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر (١٣٧٥)، *أنساب الأشراف*، تحقيق محمد باقر محمودى، الطبعة الثانية، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- دینورى، أبو حنيفة احمد بن داود (١٣٦٨) *أخبار الطوال*، ترجمة محمد مهدوى دامغانى، چاپ سوم، تهران: نشر نى.
- ضيايى بيگدلى، محمدرضا (١٣٧٢)، *اسلام و حقوق بين الملل*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبايى.
- _____ (١٣٧٣)، *حقوق جنگ*، زیر نظر معاونت پژوهشى، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبايى.
- طبرى، محمد بن جرير (١٤١٨ق)، *تاريخ الرسل والملوك (تاريخ الطبرى)*، تحقيق عبدالله على مهنا، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٦٣)، *الكافي*، تحقيق على اكبر الغفارى، الطبعة الخامسة، تهران، دارالكتب الإسلامية.
- مسعودى، أبو الحسن على بن الحسين (١٤١٣ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقيق عبد الأمير مهنا، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت: لبنان.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (١٣٨٣)، *نبرد جمل*، ترجمة محمود مهدوى

فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س) / ۱۴۵

دامغانی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

— منقری، نصرین مزاحم (۱۳۸۲ق). **وقعة صفین**، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، الطبعة الثانية، المؤسسة العربية الحديثة للطبع والنشر والتوزيع.

— مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۸۵)، **جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه**، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.

— یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۴۲)، **تاریخ یعقوبی**، مترجم محمدابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

